

نقش مساجد در استحکام انقلاب اسلامی و مقابله با هجوم فرهنگی

دکتر سید مصطفی ابطحی

چکیده

مسجد به عنوان تابلوی فرهنگی جوامع اسلامی، نقطه کانونی تجمع دینی، سیاسی و اقتصادی مردم در هر شهر و روستا به شمار می‌رود و این مرکزیت نه تنها در چهره شهرها بلکه در ساختار شهرسازی نیز رعایت می‌شود.

در شهرسازی اسلامی مسجد به عنوان پایگاه عقیده در کنار بازار به عنوان مرکز معیشت و در جوار حکومت و دستگاه دیوانی به عنوان کانون قدرت، نظام متحدالشکلی را تشکیل می‌دهند.

اگر مساجد به عنوان کانون هسته بسیج‌گر انقلاب اسلامی در تحقق انقلاب نقش محوری داشت، باید در تداوم و بقای انقلاب نیز با در نظر گرفتن متغیرهای جدید جامعه کارکرد خود را بروز دهد.

نگارنده در این پژوهش ضمن بیان مؤلفه‌های هسته بسیج‌گر انقلاب اسلامی و نقش مسجد در تأسیس این هسته هدایت و سازماندهی، انقلاب اسلامی، معتقد است در وضعیت جدید مساجد و متولیان آن باید با تلاش مضاعف در حوزه نرم‌افزار برای تعمیق ایمان دینی و اعتقاد عملی مردم به مکتب اسلام سیاسی که امام پرچمدار آن بود، گام‌های مهمی بردارند و با این رویکرد شالوده تمدن اسلامی بر محوریت مسجد شکل گیرد.

این مقاله با تعریف و مفاهیم و واژه‌ها، نحوه شکل‌گیری انسجام و بسیج عمومی را مورد توجه قرار داده، نقش مسجد به عنوان پایگاه اطلاع‌رسانی و ساماندهی دارای دو سر فصل مهم:

- مسجد به عنوان پایگاه فرهنگی و رسانه‌ای.

- مسجد به عنوان کانون هدایت و سازماندهی دانسته است.

عناصر اصلی این ایدئولوژی و پیوند آن با نیازهای روحی روانی توده‌های بسیج شده:

۱ - اسلامی کردن؛ ۲ - غرب‌ستیزی؛ ۳ - رهبری.

ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها و مختصات و امتیازات ایدئولوژی اسلامی در کانون‌هایی به نام مساجد برای توده‌های تبیین می‌شد. عوامل سرعت و شتاب:

۱ - کنترل و نظارت روحانیون بر شبکه وسیع و گسترده‌ای از مساجد، تکایا، حریم‌های مذهبی و انجمن‌ها و هیئت‌های مذهبی به عنوان ابزارهای سازمانی آنها در سطح محلی و مجراهای برقراری ارتباط با مردم و اشاعه‌دهنده تبلیغات.

۲ - حلقه‌ها و پیوندهای اقتصادی و شخصی دیرینه‌شان با اقشار مستضعف و متوسط به ویژه بازاریان.

۳ - استقلال نسبی مالی و سیاسی‌شان از دولت.

در طول ۸ سال دفاع مقدس، مساجد در اعزام و بسیج نیروهای مردمی نقش بسزایی داشتند.

چالش نظامی غرب با انقلاب اسلامی به چالش فرهنگی لیبرالیسم با اسلام و هویت‌ساز، با هدف تهی‌سازی فرهنگی، فکری و دینی ملت مسلمان ایران تبدیل شد.

نفوذ اندیشه‌های بیگانه از سوی دشمنان و یا دوستان نادان، تجددگرایی افراطی، ابهام در طرح‌های آینده، بی‌پاسخ گذاشتن پرسش‌ها و شبهات رخنه فرصت‌طلب‌ها و همچنین ترك صحنه از سوی نیروهای انقلابی از آفت‌های مهمی است که انقلاب را تهدید می‌کند.

۱ — تعریف و طراحی الگوهای نقش متناسب با لایه‌های مختلف اجتماعی، با توجه نظام ارزشی جامعه از يك سو و مقتضیات و شرایط نوین جهانی از سوی دیگر و تقاضاهای نسل جوان کنونی از جانب سوم.

۲ — تعریف و طراحی الگوهای تعامل اجتماعی فراگیر و سامان‌دهی آنان پیرامون الگوهای نقش فراگیر، این امر موجب همبستگی و همگونی بیشتر اجتماعی می‌شود.

۳ — با محوریت مساجد مواجهه و مقابله تبلیغاتی، روانی و فرهنگی مناسب و کارآمد با گروه‌های مرجع کاذب.

۴ — تلاش به منظور ارایه چهره‌ای تابناک از مبانی تئوریک حکومت دینی و نیز روزآمد کردن سنت نبوی در عصر حاضر، به صورتی که هرگونه ابهام نظری در خصوص مبانی اندیشه دینی و سیاست اسلامی زوده شود.

۵ — تلاش به منظور تطبیق عملکرد فرد و جامعه با شکل آرمانی فرد و جامعه از منظر دین و کاستن فاصله عملکرد فردی و اجتماعی با آنچه در لسان دین مطرح شده است.

۶ — تلفیق میان اصول‌گرایی و واقع‌بینی و تربیت شهروندان و مدیرانی که آرمانگرایی واقع‌بین باشند.

۷ — تلاش برای خودسازی و جامعه‌پردازی به صورتی که افراد با اعتماد به نفس، در مقابل اندیشه رقیب، تاب و توان دفاع استبدالی و متقاعدکننده از مبانی اندیشه دینی داشته باشند.

۸ — طراحی مسجد به عنوان معتبرترین کانون آگاهی و هدایت به صورتی که خودسازی و جامعه‌پردازی آموزه جاودانی مسجد و مسجیدیان باشد.

۹ — پرهیز از هرگونه تصلب در روش‌ها و آمادگی برای استفاده از همه امکانات در مساجد برای جلب و جذب مخاطب با طرح هنرمندانه دین.

۱۰ — تنظیم و تدبیر تحولات اجتماعی به منظور درونی کردن و نهادینه نمودن مرکزیت مسجد برای گره‌گشایی و مشکل‌زدایی از همه مخاطبان، در این صورت تلقی مسجد به عنوان گروه مرجع باز تولید خواهد شد.

۱۱ - تبدیل مساجد به کانون‌هایی با رویکرد چند جانبه.

اشاره

مسجد به عنوان تابلوی فرهنگی جوامع اسلامی، نقطه کانونی تجمع دینی، سیاسی و اقتصادی مردم در هر شهر و روستا به شمار می‌رود و این مرکزیت نه تنها در چهره شهرها بلکه در ساختار شهرسازی نیز رعایت می‌شود.

در شهرسازی اسلامی، مسجد به عنوان پایگاه عقیده در کنار بازار به عنوان مرکز معیشت و در جوار حکومت و دستگاه دیوانی به عنوان کانون قدرت، نظام متحدالشکلی را تشکیل می‌دهند.

به دلیل نزدیکی بازار به مسجد، داد و ستد و تعامل اقتصادی به شکل عادلانه و منصفانه صورت می‌گیرد و حکومت نیز به حرمت مسجد، رعایت حال رعایا را پیشه می‌کند.

بنابراین مسجد به عنوان کانون ایمان و شعور، واجد همه عناصر فرهنگی لازم برای حیات اجتماعی است و نخستین و گسترده‌ترین شبکه اجتماعی است که می‌تواند با آگاهی بخشی، رسالت تاریخی خود را در جهت ارتقاء شأن و جایگاه جامعه اسلامی، مبارزه با حاکمیت جور و نیز تقویت ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای جامعه اسلامی ایفا نماید.

این مؤلفه ممتاز مساجد در ایران معاصر و در عرصه انقلاب اسلامی به عنوان کانون هویت‌ساز و بسیج‌گر انقلاب حیرت همه ناظران منصف را برانگیخت. هرچند انقلاب اسلامی برخلاف انقلاب‌های معمول جهان فاقد تشکیلات حزبی و سازماندهی رسمی بود، لیکن مساجد به عنوان هسته‌های اصلی تجمع مردم، الهام‌بخش رفتار دینی و سیاسی مردم شد و گفتمان دینی که در منابر، مساجد و حسینیه‌ها مطرح می‌شد، توانست به عنوان گفتمان هژمونیک درآمده و همه گفتمان‌های چپ و سوسیالیستی، ناسیونالیستی و لیبرالیستی را در خود مستحیل نماید.

اگر مساجد به عنوان کانون هسته بسیج‌گر انقلاب اسلامی در تحقق انقلاب نقش محوری داشت، باید در تداوم و بقای انقلاب نیز با در نظر گرفتن متغیرهای جدید جامعه، کارکرد خود را بروز دهد.

نگارنده در این پژوهش ضمن بیان مؤلفه‌های هسته بسیج‌گر انقلاب اسلامی و نقش مسجد در تأسیس این هسته هدایت و سازماندهی، انقلاب اسلامی، بر لزوم تلاش مضاعف از سوی مساجد و متولیان آن در حوزه نرم‌افزار برای تعمیق ایمان دینی و اعتقاد عملی مردم به مکتب اسلامی که امام پرچمدار آن بود، تأکید نموده است تا با این رویکرد شالوده تمدن اسلامی بر محوریت مسجد شکل گیرد.

سؤالات اساسی

- ۱) نقش مسجد در تأسیس هسته بسیج‌گر انقلاب اسلامی چه بود؟
- ۲) کارکردهای مسجد در حدوث انقلاب اسلامی معطوف به چه اموری بود؟
- ۳) در تداوم انقلاب اسلامی مساجد با چه رویکردی قادرند در تعمیق، بسط و گسترش ایده پایداری حکومت دینی و قوام و دوام انقلاب اسلامی با عنایت به متغیرهای جدید جامعه ملی و جهانی بکوشند؟

فرضیه

مسجد، اکنون نیز کانون تأسیس هسته بسیج‌گر انقلاب اسلامی می‌باشد، به دلیل این‌که علت محدثه انقلاب همان علت میقیه انقلاب می‌باشد، بنابراین راز ماندگاری و تداوم انقلاب اسلامی در گرو بالندگی و کارآمدی ماهیت هسته بسیج‌گر انقلاب متناسب با شرایط متحول جامعه می‌باشد.

تعریف مفاهیم و واژه‌ها

- ۱ - بسیج (OBILIZATION): منظور از بسیج، توانایی بالفعل رهبر یا رهبران در جلب حمایت و پشتیبانی بخش‌های گسترده‌ای از مردم در جریان یک جنبش اجتماعی و یا انقلاب می‌باشد. این توده‌های مردم، گم شده خود را در رهبر و آرمان و اندیشه او می‌جویند و رهبر نیز نشان می‌دهد که تنها برآورنده خواسته‌ها نیازهای معنوی و مادی آنهاست.
 - ۲ - انقلاب عبارت است از: بسیج شدن و در حالت بسیج ماندن؛ بنابراین هنگامی که نظام سیاسی قادر به حفظ حالت بسیج مردم نباشد، انقلاب پایان یافته تلقی می‌گردد. مباحث نظری بسیج سیاسی مردم
- تحلیل هسته بسیج‌گر در انقلاب اسلامی ایران براساس دیدگاه چارلز تیلی صورت می‌گیرد. تیلی از جامعه‌شناسان معروف انقلاب در تئوری خود، مسئله هسته بسیج‌گر انقلاب را مطرح کرد. به نظر او هرگاه یک گروه بکوشد تا کنترل خود را بر منابع افزایش دهد، در حال بسیج به سر می‌برد و هرگاه کنترل یک گروه بر منابع مزبور کاهش یابد، آن گروه در حالت ضدبسیج^۱ قرار می‌گیرد.
- به گفته تیلی عوامل تعیین‌کننده توانایی بسیج گروه‌ها و جماعت‌های مختلف عبارتست از:

- ۱ - امکانات موجود گروه؛
 - ۲ - مساعدت محیط؛
 - ۳ - تشکیلات سازمانی گروه.
- تیلی گروه‌ها را از لحاظ توانایی بسیج به دو نوع تقسیم می‌کند:
- نخست: گروه‌های جماعتی^۲ که ویژگی محلی دارند، تشکیلات آنها محدود و موضعی است و همه اعضای آنها دارای قدرتی کم و بیش یکسان می‌باشند. در ضمن وفاداری‌های درونی این گروه‌ها زیاد، اما قدرت بسیج آنها کم است.
- دوم: گروه‌های سازمان‌یافته انجمنی^۳ که دارای تشکیلات وسیع و پیچیده‌ای می‌باشند و هر چند وفاداری‌های درونی آنها از نوع اول کمتر می‌باشد، اما توانایی سازماندهی و بسیج بالایی دارند.
- تیلی در مورد بسیج توده‌های مردم به دو عامل تسهیل‌کننده اشاره می‌کند:

¹ 1 . Demobilization

² 2 . Communal groups

³ 3 . Association groups

نخست: نارضایتی توده‌ها که از ناتوانی رژیم حاکم در پاسخگویی به انتظارات آن‌ها ناشی می‌شود و با از فشارهای ناگهانی که رژیم در شرایط بحرانی (نظیر جنگ و بحران اقتصادی و...) بر توده‌ها وارد می‌کند، سرچشمه می‌گیرد.

دوم: وجود برخی روابط و همبستگی‌های جماعتی در میان توده مردم. این همبستگی‌ها، کنش جمعی را در میان توده‌ها امکان‌پذیر می‌کند. به نظر تیلی، صرف نارضایتی در میان توده مردم برای کشیده شدن آن‌ها به انقلاب کافی نیست، بلکه این نارضایتی‌ها فقط زمینه‌های استقبال این توده‌ها را از گروه‌های معارضة جو و انقلابی فراهم می‌کند و در چنین شرایطی وجود همبستگی‌های جماعتی نقش مهمی در تسهیل بسیج انقلاب توده‌ها و توسعه گروه‌های انقلاب دارد.

جرالد گرین، انقلاب اسلامی ایران را براساس مفهوم ضد بسیج^۱ بررسی کرده است. طبق تعریف گرین، ضد بسیج عبارت است از: «بسیج عمومی علیه نظام سیاسی حاکم از سوی گروهی که در مقابل برگزیدگان حاکم صف‌آرایی کرده‌اند.» گرین شرایط ضد بسیج را به شرح زیر بیان می‌کند:

- ۱ - تضعیف اراده و توانایی‌های دولت؛
- ۲ - ساده‌سازی سیاست؛
- ۳ - قطب‌بندی توده‌ها؛
- ۴ - سیاسی شدن بخش‌هایی از جامعه که به طور سنتی غیرسیاسی بوده‌اند؛
- ۵ - رویدادهای بحران‌زا؛
- ۶ - واکنش خشونت‌آمیز از سوی رژیم.^۲

چگونگی شکل‌گیری بسیج مردم در انقلاب اسلامی با استفاده از تئوری‌های فوق می‌توان دلایل شکل‌گیری بسیج انقلابی مردم در انقلاب اسلامی ایران را مورد ارزیابی قرار داد. در تجزیه و تحلیل «بسیج انقلابی» در انقلاب اسلامی ایران باید عوامل زیر را مؤثر دانست:

۱ - وجود نیروهای متشکل اجتماعی، خصوصاً نیروهای مذهبی که از حضور در عرصه رسمی سیاست محروم بودند و این محرومیت سیاسی در حالی رخ می‌داد که جامعه ایران جامعه‌ای به شدت در حال تغییر بود.

نیروهای مذهبی مردم محروم از حضور در عرصه سیاست و نارضایتی از وضعیت فرهنگی سیاسی جامعه، پیرامون شخصیتی حلقه زدند که بنیان مشروعیت حکومت پهلوی را به چالش کشیده و مردود اعلام کرده بود.

مهمترین نقطه قوت مبارزات روحانیت علیه رژیم پهلوی به عنوان يك نیروی متشکل، تبعیت کامل آن از امام بود. هرچند رهبری انقلاب به لحاظ ظاهر فاقد يك حزب و تشکیلات منسجم بود، اما تبعیت از امام و قرار داشتن برخی از طرفداران امام در رده فضلا و مدرسین حوزه‌ها، موجب گردید در عمل و در سطح کشور، شبکه‌ای از طرفداران امام، همچون سازمانی نیرومند و متشکل قادر شدند گردونه انقلاب را به حرکت درآورند.

۲ - نفوذ مذهب شیعه در میان اقلیتات متوسط شهری و خصوصاً ظهور مذهب شیعه به عنوان يك ایدئولوژی و تئوری انقلابی در میان اقلیتات تحصیلکرده مذهبی.

۳ - انسداد سیاسی یا فقدان چرخش نخبگان و مناصب در ساختار حکومت پهلوی. نکته‌ای که حائز اهمیت می‌باشد این است که همزمان با شکل‌گیری ایدئولوژی انقلابی در جامعه، براساس فرایند نوسازی اجتماعی تعداد زیادی تحصیلکرده که توان ورود به لایه‌های تصمیم‌گیری نظام و حوزه سیاست رسمی و قانونی را، به دلیل فرمایشی بودن مجلس، احزاب و دولت نداشتند، پاسخ تمام مطالبات و اعتراضات خود را در ایدئولوژی اسلامی جستجو می‌کردند؛ بدین ترتیب، دین چارچوب و عاملی شد که نه تنها قشر تحصیلکرده انقلابی را به شبکه وسیع مردمی وصل نمود، بلکه رهبری بسیج‌گر انقلاب نیز توانست با بهره‌گیری درست از منابع دینی و ظرفیت‌های انقلابی، جاذبه فراوانی برای همگان اعم از روشنفکران و توده‌ها پیدا کند و سازمانی به نام شبکه مذهبی و امکانات دینی با محوریت مساجد که به دلیل

¹ . Counter mobilization

² . J. Green . "Revolution in Iran": The Politics of counter Mobilization (New York: Papereyer 1982) PP.126_136.

قداست آن و تلقی شدنش به عنوان خانه خدا، نه تنها به عنوان پناهگاه و مرکز تشکیل دینی، مذهبی و حقانیت سیاسی بلکه به عنوان مکان مناسب به منظور تربیت نیروی انقلابی، مؤمن و وظیفه‌شناس، شکل گیرد.

بر همین اساس يك نهضت نسبتاً وسیع خودجوش در تهران و در غالب شهرستان‌ها در میان مبارزین و جوانان مسلمان برای تأسیس انجمن‌ها و هیأت‌ها و مؤسسات اسلامی با برنامه‌های امدادی، فرهنگی، تبلیغاتی، بهداشتی و حتی تولیدی و تجاری راه‌اندازی شد و شرکت‌ها و بنگاه‌های نشریاتی فعال به وجود آمد، درمانگاه‌ها و بیمارستان‌های خیریه به سبک اجتماعی تأسیس شد، صندوق‌های قرض‌الحسنه بازگشایی شدند. انجمن‌ها و مجامع دینی از هر طرف سر درآورد که هدف و برنامه همه آنها در حول محورهای خدمت، تربیت، وحدت، تشکل و آمادگی برای رسیدن به آزادی، استقلال و حکومت اسلامی دور می‌زد. انتقال شهید مطهری به تهران در سال ۱۳۲۵ و پیوستن به فعالیت‌های جوانان و دانشگاہیان، تفسیر قرآن و منبر مرحوم طالقانی در مسجد هدایت، تلاش‌های عالمانه دکتر مفتاح در مسجد قبا، نقش بزرگی در این راستا ایفا نمود به صورتی که روحانیت جوان نیز آهسته آهسته، تمایل و تحرك بیشتری از خود نشان داد.

مسجد؛ پایگاه اطلاع‌رسانی و سازماندهی

در دهه چهل و پنجاه که به دلیل سلطه نظام سیاسی پهلوی بر وسائل ارتباط جمعی، نیروهای انقلاب از حق هرگونه فعالیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی محروم بودند، مساجد مناسب‌ترین رسانه ارتباط جمعی به منظور آگاهی بخشی به مردم و نیز مهمترین پایگاه برای هدایت و سازماندهی نیروی انقلاب به شمار می‌رفت. از این رو برای تبیین نقش مسجد در دوران انقلاب اسلامی می‌توان به دو سر فصل مهم اشاره نمود: مسجد به عنوان پایگاه فرهنگی و رسانه‌ای مسجد به عنوان کانون هدایت و سازماندهی.

در خصوص نقش مسجد به عنوان پایگاه فرهنگی و رسانه‌ای، باید بر این نکته توجه نمود که در دوران حکومت پهلوی، عموم مردم از طبقات مختلف اجتماعی، نابسامانی‌های فرهنگی اقتصادی و سیاسی را مشاهده کرده و متناسب با میزان درک و دریافت خود به تجلیل پدیده‌های اجتماعی می‌پرداختند.

مسجد به سبب مسائل معنوی خویش پایگاهی چندمنظوره بود که در آن همه اقشار جامعه، یا تمامی باورها و عقاید خویش همه روزه به دور هم جمع می‌شدند و به تمامی امور مربوط به جامعه خود رسیدگی و مشارکت می‌نمودند و در واقع، مسجد، مرکز ارتباط جماعت اسلامی و بدنه مادی ملموس آن تلقی می‌شود به صورتی که جماعت اسلامی کامل نمی‌شود مگر با داشتن مسجدی که اعضای آن را به همدیگر مرتبط می‌سازد.

در حقیقت مسجد، اصلی‌ترین مرکز ارتباطی و اطلاعاتی بود که امکان خیرگیری از تمامی وقایع وجود داشت. زمانی که مؤذن اذان ناهنگام سر می‌داد، همگان می‌فهمیدند که حادثه‌ای مهم اتفاق افتاده است و خود را به مسجد می‌رسانند تا از آن خبر مطلع گردند.

با تشدید مبارزات مردم علیه حکومت پهلوی، مسجد در این زمینه جایگاه ارزشمندتری پیدا نمود. حضور روحانیون و نخبگان دانشگاهی در اماکن مذهبی، حسینیه‌ها و مساجد، مردم را به واقعیت‌های جامعه، فساد دربار و مظالم دستگاه حکومت و سیاست‌های ضددینی نظام پهلوی آشنا می‌کرد. بنابراین مسجد ضمن گسستن پیوندهای مردم با نظام سلطنت، به عنوان جایگاهی به منظور ترسیم مؤلفه‌های حکومت مطلوب، نقش بسیار مهمی پیدا نموده و مردم از طریق مساجد، به خویشتن بازگشته و پرچمدار هویت دینی و اسلامی مبتنی بر ارزش‌های الهی شدند.

در خصوص نقشه هدایتی و سازماندهی مساجد نیز باید به این مهم اشاره نمود که مسجد در سازماندهی مردم به منظور تغییر وضعیت موجود و نیل به شرایط مطلوب نقشی بسزا داشت.

مسجد به عنوان مرکز تصمیم‌گیری سیاسی از زمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مطرح شد. در تاریخ

مردم ایران نیز مسجد به عنوان پایگاه سیاسی علما و مردم بر علیه ظالمان و حاکمیت جور بوده است. بسیاری از تصمیم‌گیری‌هایی که موجب براندازی حکومت‌ها و نظام‌های سلطه گردید، در مسجد صورت می‌گرفت، چرا که در باور و فرهنگ مردم ما، مسجد مکانی مقدس است و علما نیز افرادی والا و دارای درجات معنوی می‌باشند. لذا سخنان و مواضع‌شان صحیح و بر حق قلمداد می‌شود و نیز مسجد مهم‌ترین پناهگاه مظلومان از دست جابران و محلی برای تحصن و اعلام خشم و کینه نسبت به حکام بوده است و این باور مردمی، همواره حاکمان جور را از حمله مستقیم به مساجد باز می‌داشت.

مساجد پایگاه خودآگاهی و حرکت جمعی و اعتراضات مردمی نیز بود. افراد و خانواده‌هایی که در راستای آرمان‌های دینی خود، به مبارزه پرداخته و به زندان افتاده بودند، مورد حمایت مساجد قرار می‌گرفتند.

توانایی چشمگیر روحانیت در بسیج مردم در مساجد، تکایا و حسینیه‌ها را می‌توان یکی از ویژگی‌های زندگی سیاسی در انقلاب اسلامی ایران به شمار آورد. این توانایی در مرحله نخست، حاصل کاربست يك ایدئولوژی احیاگرانه اسلامی بود، ایدئولوژی که پاکسازی جامعه از نشانه‌های فرهنگی و تمدن غربی و تلاش در راستای ایجاد يك جامعه جدید و پرورش يك انسان نوین را وعده داده، مردم را به صحنه آورد و پشتیبانی، مبارزه و حتی فداکاری‌های این مردم همیشه در صحنه را ممکن ساخت. تفکری که این جریان را پدید آورد، معتقد بود که در رهبری نسل جوان بیش از هر چیز باید دو کار انجام شود: یکی باید درد این نسل را شناخت و آنگاه در فکر درمان و چاره بود. بدون شناختن درد این نسل هرگونه اقدامی بی‌مورد است.^۱ راز مقبولیت ایدئولوژی اسلامی در آن بود که می‌کوشید به نزاع‌های روحی و روانی توده‌های حابجا شده در اثر دگرگونی‌های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی شبه غربی پاسخ دهد. به منظور شناسائی عناصر اصلی این ایدئولوژی و پیوند آن با نیازهای روحی روانی توده‌های بسیج شده می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

(۱) اسلامی کردن جامعه: توده‌های مردم که قادر به مضمحل شدن در فرهنگ و شیوه جدید زندگی که صبغه غربی پیدا کرده بود، نبودند، به شکل‌گیری جامعه‌ای پرداختند که ارزش‌ها و قواعد حاکم بر آن با ارزش‌ها و مطلوب‌های آنان انطباق داشت. توده‌ها، چاره رها شدن از این وضعیت نامطلوب و متوقف کردن روند دگرگونی‌های شبه غربی را حاکم شدن اصول اسلامی در همه بخش‌های جامعه می‌دانستند. رواج مفاهیمی همانند اقتصاد اسلامی، بانکداری اسلامی، جزای اسلامی، مدیریت اسلامی، ناشی از تلاش برای ساختن جامعه‌ای مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و تقابل با نماد زندگی شبه غربی می‌باشد.

تلاش بی‌وقفه استاد مطهری در سال‌های دهه چهل و پنجاه صرف تدوین ایدئولوژی اسلامی به عنوان يك مکتب و يك دستگاه هماهنگ فکری و آشکار کردن چهره واقعی اسلام و زدودن زنگارهای بدعت و خرافه‌ای شد که در طول تاریخ بر چهره تابناک آن نشسته بود. در واقع شهید مطهری به دنبال آن چیزی بود که در قیام ۱۵ خرداد نیاز به آن احساس می‌شد، یعنی يك ایدئولوژی مدون و يك مکتب جامع به زبان روز و پاسخگو به شبهات جدید که نهضت براساس آن به حرکت خود ادامه دهد و انقلابیون به انحراف کشیده نشوند و پس از پیروزی نیز دارای برنامه باشند.^۲

(۲) غرب‌ستیزی: ایدئولوژی انقلاب اسلامی، با تقلیدی و شبه‌غربی خواندن نوسازی و تغییرات اجتماعی به وجود آمده در جامعه، به نیازها و علایق مردمی که فرهنگ و تمدن غربی را عامل نابسامانی‌ها و مشکلات عدیده فرهنگی و اجتماعی قلمداد می‌کردند، پاسخ داد. (۳) رهبری: جایابی‌های گسترده اجتماعی، موجبات بی‌ثباتی اجتماعی، ناامنی، سرگشتگی، و احساس بی‌هویتی را فراهم کرد و در چنین وضعیتی روحی و روانی، رهبری آگاه و دلسوز با برخورداری از جاذبه روحانی، تسلاهی روحی ملت را به ارمغان آورد، زندگی آنان را از معنا و هدف پر ساخت و مردم را یافتن حقایق در سخن و کردار رهبر، اعتماد به نفس را در نقش جدید خود به عنوان پیرو پیدا کردند.^۳

ویژگی‌ها، مولفه‌ها و مختصات و امتیازات ایدئولوژی اسلامی در کانون‌هایی به نام مساجد برای توده‌ها تبیین می‌شد. شاگردان و وفاداران به امام چه در هیأت روحانی و چه در شکل دانشگاهی، از حضور انبوه توده‌های مردم در مساجد، استفاده لازم به منظور بسیج و آماده ساختن آنان برای تغییر حاکمیت را به عمل آوردند و با تکیه امام به نقش محوری مسجد به عنوان کانون انقلاب، سازماندهی انقلاب اسلامی را شکل دادند و به همین دلیل است که تداوم کاجیل از تئوریسین‌های مشهور انقلاب، معتقد است «که در ایران به نحوی بی‌نظیر و یگانه، انقلاب ساخته شد، اما نه توسط احزاب انقلابی مدرن موجود در صحنه سیاسی.

۱. مرتضی مطهری، ده‌گفتار، تهران، موسسه صدا، ۱۳۶۱: ص ۱۹۱.

۲. سیری در زندگانی استاد مطهری: ص ۸۲.

۳. مونتینی بالمر و دیگران، نگرش جدید به علم سیاست، ترجمه منوچهر شجاعی تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی،

در خاتمه باید متذکر شد که برای ادامه حیات جامعه و استقلال کشور و روند تحولات آینده آن نیز هیچ راهی جز انسجام همگانی و برخورداری از هویت ملی و تمایل گروه مرجع و نخبگان به درون نیست و این هر سه تنها با محوریت مسجد به عنوان رفیع‌ترین قله هویت‌یابی، خودباوری و انسجام امکان‌پذیر است.

اکنون باید به این پرسش پرداخت که نسل جوانی که اکثریت جمعیت ایرانی را تشکیل می‌دهد چرا از مسجد دور افتاده و شکافی بین خود و پایگاه‌های دینی حس می‌کند؟ چرا متولیان امروز، مدیریت مساجد و سایر ارگان‌های برنامه‌ریز نتوانستند در جذب جوانان به سوی مساجد موفق گردند؟ آیا وقت آن نرسیده که با تعمق بیشتری به این نسل توجه کرده و با انگیزه‌ها و برنامه‌ریزی صحیح و دقیق و نیازسنجی مطلوب آن‌ها را به سوی مساجد هدایت و راهبری کنیم؟ آیا وقت آن نرسیده که مساجد به جایگاه واقعی خود صعود کند و پناهگاه هر قشر و فردی و تامین‌کننده هر گونه نیاز جوانان باشند؟

جایگاه مسجد

اگر بخواهیم جایگاه و موقعیت مسجد در اسلام را بیابیم بایستی به صدر اسلام برگشته و جایگاه مسجد در میان مسلمانان عصر پیامبر را مورد بررسی قرار دهیم چرا که تاریخ مسجد با تاریخ اسلام گره خورده و این مکان مقدس، بی‌درنگ پس از بعثت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله عهده‌دار

نقش‌های مهم و گوناگونی در نهضت و انقلاب آن حضرت است. فایده و بهره‌ای که جوانان از رفت و آمد و انس با مسجد نصیب آن‌ها می‌شود، تنها ثواب بردن و در سرای دیگر مشمول لطف الهی واقع شدن نیست، بلکه در همین جهان نیز، فواید و آثار اخلاقی، تربیتی، علمی، اجتماعی و سیاسی فراوانی در سایه رفت و آمد به مسجد برای انسان مؤمن به خصوص جوانان حاصل خواهد شد.

به طور کلی تمام پرستش‌گاه‌های مکان و جایگاهی اجتماعی و مرکزی جهت تعاملات اجتماعی می‌باشد.

مسجد مهم‌ترین و مؤثرترین ستاد فرهنگی در جهت ترویج و اشاعه فرهنگ اسلامی در طول تاریخ اسلام بوده است و به همین دلیل کارکردهای مختلفی داشته است.

هر دین الهی، مکانی را به عنوان پرستش‌گاه برای برقراری ارتباط پروان خود با خدا تعیین کرده و آنان را به رعایت آداب و رسوم خاصی در آن تشویق کرده است. متناسب با سطح رشد و برخورداری هر قوم و ملتی از فرهنگ و تمدن این مکان‌ها با هنر و معماری زمانه عجین شده و انسان‌ها با نوع نگاه ویژه خود به عالم هستی و آموزه‌های دینی و بشری به معابد و پرستشگاه‌های خود رو آورده‌اند.

با بررسی و کاوش در منابع معتبر اسلامی روشن می‌شود که مسجد به عنوان اصلی و مهم‌ترین کانون و پایگاه در میان مسلمانان صدر اسلام مطرح بوده و یک مسجد اسلامی چهار نقش ذیل را همزمان ایفا نموده است:

الف: مسجد به عنوان پایگاه عبادت و یاد خداوند متعال؛

ب: مسجد به عنوان پایگاه جهاد فکری و تعلیم و تعلم معارف اسلامی؛

ج: مسجد به عنوان پایگاه تجمع نیروهای رزمنده و اعزام آنان به جبهه‌های جهاد؛

د: مسجد به عنوان پایگاه وحدت مسلمین و نمایش روح وحدت و یکپارچگی به دشمنان پیدا و پنهان جامعه اسلامی.

برنامه‌ریزی آموزشی و دینی در مساجد

برنامه‌ریزی تعاریف گوناگونی دارد اما در یک تعریف کلی می‌توان مفهوم و ماهیت برنامه‌ریزی را کنشیدن نقشه یا طراحی یک پلان برای اهداف مختلف بیان کرد.

یادگیری، نیاز به نقشه و طرح دارد. یادگیری و تربیت از عوامل فراوانی از جمله: عامل مربی، عامل فضا، عامل ویژگی‌های یادگیرنده، عامل شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی و فرهنگی، سیاسی و همچنین روابط بین یادگیرندگان با یکدیگر، روابط بین نهادهای تربیتی با یکدیگر و... متأثر است. جهت آموزش و یادگیری در مساجد باید به موارد بالا به‌طور عمیق توجه گردد. در عرصه تربیت نباید براساس احتمال و تصادف عمل کنیم؛ بلکه باید با نقشه حرکت کنیم. نقشه و طرح‌ریزی کار متخصصان است. ما برای ساده‌ترین مسئله زندگی‌مان دنبال

متخصص می‌گردیم ولی آیا نباید در راستای اساسی‌ترین مسئله زندگی یعنی تربیت و یادگیری نوجوانان و جوانان دنبال متخصص باشیم؟
در مظلومیت تربیت دینی و اسلامی همین بس که در هیچ جای دنیا يك آکادمی، دانشکده و... ویژه این حوزه تأسیس نشده است. یعنی هم‌اکنون در هیچ کجا متخصص تربیت اسلامی تربیت نمی‌کنیم؟

اهمیت تعلیم و تربیت جوانان و نوجوانان
با توجه به آن که دنیای پر رمز و راز نوجوانی و جوانی است که انسان‌هایی کامل را می‌سازد، می‌توان اهمیت تعلیم و تربیت جوانان و نوجوانان را دریافت.
امام راحل در مورد مراحل قرب انسان می‌فرماید:
«کودک جدیدالعهد است به ملکوت»^۱.

در جایی دیگر نوجوان را جدیدالعهد معرفی کرده‌اند. نوجوان و جوان به آن عهد ازلی و میثاق عالم که با خدا بسته‌اند، پایبند هستند. کودک هنگام تولد، وجودی پاک و دست نخورده دارد و فطرت او وفادار به عهد الهی است و از همین رو بزرگ‌ترها باید مراقب کودکان و نوجوانان باشند و آنان را بعیدالعهد نکنند، یعنی کاری که حریم‌ها را به آسانی بشکنند و گناه کردن برای آن‌ها ساده باشد.

این همان نگاه فلسفی به وجود انسان است. بنابراین با توجه به فطرت انسانی و نیاز جوانان و نوجوانان باید زمینه را برای رشد همه قوا فراهم کرد. باید پذیرفت فردی که به سمت مسجد می‌آید، عقل دارد، بعد اجتماعی دارد، بعد عاطفی دارد، بعد زیبایی‌گرایی و ابعاد گوناگون دارد. از این رو شایسته است ابتدا جوان را با انگیزه‌های متفاوت به سمت مساجد هدایت کرده و شایسته است برنامه‌ها را طوری طراحی کنیم که همه قوای او را دربرگیرد و فردی يك بعدی پرورش نیابد. به راستی انسانی که عاطفه دارد ولی عقل ندارد به چه درد می‌خورد؟ از سوی دیگر انسانی که عقل دارد، ولی دین ندارد چقدر خطرناک خواهد بود؟

براساس حدیث قدسی «عبدی اعطنی حتی اجعلک مثلی» باید مثل خدا شویم، انسان این قابلیت را دارد که مثل خدا شود، اما آن فردی مثل خدا می‌شود که استعدادها و وجود خود را از قوه به فعلیت درآورد و آن هم در گرو رشد همه‌جانبه و هماهنگی با هستی و ارزش‌مدار بودن است.

مسجدگریزی و دین‌گریزی

امروزه اگر با دیده تأمل در احوال و رفتار نسل تربیت‌شده انقلاب، یعنی جوانان که پرتعدادترین گروه سنی جامعه را تشکیل می‌دهند، بنگریم نمی‌توانیم انقلاب اسلامی ایران را در بعد تغییر مناسبات اجتماعی و دگرگون ساختن سلوک افراد جامعه به سمت سلوکی بر پایه آموزه‌های دینی و شرعی و در يك کلام تأمین زندگی توأم با کرامت انسانی برای احاد جامعه، کاملاً موفق و کامیاب بباییم.

امروز نمی‌توان نگرانی عمیق خود را از شکاف و وحشتناکی که امروز بین نسل جوان و برخی سنت‌ها و آموزه‌های دینی پدیدار گشته است، پنهان کرد. آنچه باعث شگفتی است این است که جوان ایرانی برخوردار از روحیه‌ای سالم، حساس، بانشاط، پویا و دل‌باخته خوبی‌ها و زیبایی‌ها است و آنچه باعث تأسف و اندوه می‌شود مشاهده آشکار عدم جذب کامل این جوان شیدا به پری‌رویی است که هزار و چهارصد سال پیش و در سیاه‌ترین زندگی بشر طبع خشن و گریزپای عرب صحرائین را مفتون خود ساخت.

شاید علت‌های مختلفی برای مسجدگریزی و در نهایت دین‌گریزی جوانان بتوان جستجو کرد:

۱ - تهاجم فرهنگی.

۲ - پاسخگو نبودن شیوه تعلیم آموزه‌های دینی و عدم آشنایی مبلغان دینی به نیازهای بشر امروز و احساس کمبودی که انسان قرن بیست و يك از این جهت می‌نماید.

۳ - آسیب‌پذیری جوان ایرانی در برابر مظاهر و جلوه‌های فساد و بی‌قیدی و گریز از تعهد به عمل دینی.

^۱ . دین و برنامه‌ریزی درسی فصل اول.

- ۴ - عملکرد ناهنجار و نامطلوب متصدیان اداره جامعه به طور خاص و متولیان دین و دین مداران به طور عام، در تربیت دینی نسل جوان.
- ۵ - الزام و اجبار نسل جوان به انجام تکالیف دینی.
- ۶ - عدم برنامه‌ریزی مناسب جهت تربیت دینی و عمیق‌تر شدن شکاف مسجد و جوانان.

موانع ارتباط جوانان با مسجد

وسایل مدرن و پرزرق و برق دنیای اطراف جوانان، از یک‌سو و روحیه نوپسند و زیباطلب از سویی دیگر، عواملی هستند که اگر آگاهانه، با آنها برخورد نشوند، باعث دوری و غفلت جوان از خدا می‌شود.

براین اساس از موانع ارتباطی جوانان با مسجد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱ - عدم آشنایی جوانان با فلسفه نماز و اسرار نماز جماعت.
- ۲ - احساس عقب‌ماندگی و تخریب دینی از سوی جوانان.
- ۳ - جذب بیش از حد به امور دنیوی.
- ۴ - وجود گناه و بی‌فایده دانستن ارتباط با خدا.
- ۵ - نارسایی‌های معنوی در خانواده.
- ۶ - فاسد بودن محیط جامعه.
- ۷ - دوستان ناباب و الگوهای نامناسب.
- ۸ - عدم موفقیت مساجد در به‌کارگیری روش‌های جذب جوانان.
- ۹ - عدم توجه به نیازها و خواسته‌های جوانان.
- ۱۰ - عدم استفاده از راهکارهای عملی در جذب جوانان.
- ۱۱ - عدم کارآیی و کارآمدی مدیران و متولیان امر.
- ۱۲ - عدم برنامه‌ریزی منسجم و نظارت مستمر بر اجرای برنامه‌ها.
- ۱۳ - عدم توجه به فرهنگ‌های مختلف شهری، روستایی و قومی.
- ۱۴ - عدم توانایی در جایگزینی تهاجم فرهنگی غرب.
- ۱۵ - دخالت عموم مردم در تربیت دینی بدون داشتن تخصص کافی.
- ۱۶ - دروغ‌گویی و عوام‌فریبی که در برخی موارد در سایه دین انجام می‌شود.
- ۱۷ - نشان دادن چهره خشن و خرافاتی از دین.

راهکارهای جذب جوانان به مسجد

براساس نکات پیش گفته ضرورت برنامه‌ریزی و استفاده از فضای مسجد و نیز برانگیخته‌کردن انگیزه جوانان امری کاملاً روشن است. جهت برنامه‌ریزی برای جوانان در مساجد و اجرای این برنامه‌ها، حضور جوانان به عنوان رکن اصلی در مسجد الزامی می‌باشد. بنابراین باید با توجه به نیازها و ویژگی جوانان به راهکارهای جذب و ایجاد انگیزه برای هدایت آنان به سوی مسجد توجه کنیم. تأکید می‌شود که راهکارها بدون توجه به ویژگی روانشناختی جوانان نه تنها اثر مثبت نداشته بلکه مخرب نیز خواهند شد.

از مهمترین راهکارهای جذب جوانان به مسجد می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱ - مدیریت صحیح و خردورزانه مسجد: مدیریت صحیح می‌تواند با برنامه‌ریزی، اجرا و هدایت درست امور، راه‌های متفاوتی را برای جذب جوانان به مسجد فراهم آورد و باعث ایجاد نگرش‌های مثبت در جوانان برای حضور در مسجد گردد.
- ۲ - برخورد مناسب با جوانان: اصولاً جوانان راه‌های دفع رفتاری را نمی‌پذیرند و اگر جوانی در راهی که انتخاب کرده به موانعی برخورد کند که با روحیه او هماهنگی نداشته باشد، سرخورده شده و از ادامه راه باز می‌ماند و یا با رغبت و علاقه به آن نگاه نمی‌کند. در ارتباط با جوانان بایستی ابتدا راه ارتباطی و عاطفی را هموار کرد یعنی با جوانان ارتباط عاطفی را برقرار کرده تا ایمانی نسبی به برنامه‌های تعیین شده داشته باشند و یا کل اهداف را پذیرفته تا بتوان به جزئیات اهداف برسند. در برخورد با جوانان باید شناخت کافی از وضعیت فیزیولوژی و شخصیتی و رشد رفتاری جوانان داشت و نیازسنجی کرد و به نظریات و افکارشان اهمیت داد. حتی در برخی مواقع باید به مسائل خصوصی آنها وارد شده و همدلی کرد در واقع آنها را آنطور که هستند بپذیریم، نه آنطور که خودمان می‌خواهیم.

۳ - برنامه‌ریزی‌های مناسب: با توجه به موقعیت محله، شهر و یا روستا و یا سن افرادی که با آنها سر و کار داریم، باید برنامه‌ریزی صورت پذیرد. به‌طور مثال جهت افرادی که برای کنکور خود را آماده می‌کنند کلاس‌های تست، روانشناسی، تندخوانی، تهیه کتب مختلف و راه‌های موفقیت در کنکور را برنامه‌ریزی نمود.

همچنین از خطوط اینترنتی، نمایش فیلم و سریال، بازی و سرگرمی، و غیره استفاده‌های بهینه نمود. با توجه به نیاز سنجی قشر جوانانی که از مسجد موردنظر می‌خواهند استفاده نمایند، برنامه‌ریزی نمود.

۴ - جلسات بحث و گفت‌وگو: از آنجا که جوانان نیازهای مخصوص به خود دارند و روحیات و علائق آنها با بزرگسالان متفاوت است؛ در برنامه‌ریزی باید بعد از مخاطب‌شناسی و نیازسنجی، جلسات ویژه‌ای را جهت ارزیابی برنامه‌های تدوین‌شده و اجرا شده و بحث و گفتگوی منتقدانه و همچنین پیشنهادهای مفید در برنامه‌ریزی آینده برگزار گردد.

جلسات بحث و گفتگو علاوه بر رسیدن به راهکارهای مفید باعث خودارزشمندی در فرد شده و به اهمیت وجودی خود پی می‌برد و باعث تقویت خلاقیت و ابتکار و اعتماد به نفس در فرد می‌شود ضمن این‌که ارتباط دوستانه بین آنها و مدیران مسجد مستحکم‌تر می‌شود.

۵ - ایجاد اعتماد در جوانان: مدیریت و مسئولین مساجد باید برای علائق و موقعیت جوانان اهمیت خاصی قائل باشند براین اساس می‌توان از طرق مختلف در افرادی که می‌توانند تحت پوشش مسجد مورد نظر قرار گیرند، اعتماد و ایمان کافی را ایجاد نمود و آنها را به سمت مساجد هدایت نمود. به‌طور مثال از طریق نیازهای مادی و معنوی آنها و سعی در برطرف کردن آنها، مشاوره خوب در امور خانوادگی، توجه به مشکلات آنها و سعی در رفع آنها، ایجاد فرصت‌هایی که بتوانند استعدادها و توانمندی‌های خود را به فعلیت برسانند و یا ترغیب و تشویق آنها در جمع از دیگر راه‌هایی است که باعث ایجاد اعتماد در افراد می‌گردد.

۶ - شکل ظاهری و داخلی مسجد: شکل ظاهری مسجد باید از نمایی بسیار زیبا و آرامش‌بخش تشکیل شده باشد همچنین ساختمان و تجهیزات درون مسجد باید از بهداشت‌مناسب با آرامش کافی و به‌طور کلی دارای فضایی جذاب و آرامش‌بخش برخوردار باشد. فضای مسجد در ایام مختلف و موقعیت‌های خاص متفاوت باشد و در بیشتر اوقات محیطی زیبا و شاداب برای جوانان فراهم نمایند.

۷ - ارتباط حضوری با ساکنان اطراف مسجد: به جای آن‌که مدیریت مسجد و مسئولین افراد مسجد را به مسجد بخوانند خود به محل سکونت و محل کار آنها رفته و از نزدیک با آنها ارتباط صمیمی برقرار کنند. سپس این افراد خود به سمت مساجد خواهند آمد به‌طوری که حضور مسئولین مسجد در زندگی آنها مؤثر واقع شده باشد.

آری باید با برنامه‌ریزی مناسب زمینه حضور و زمینه جذب جوانان را در مساجد فراهم آوریم.

پیشنهادها و راهکارها

با توجه به تحقیقات انجام شده در جهت جذب جوانان به مساجد و لزوم برنامه‌ریزی صحیح و دقیق برای آنان، مراتب ذیل پیشنهاد می‌گردد:

- ۱ - استفاده از راه‌های ایجاد انگیزه در جذب افراد؛
- ۲ - برنامه‌ریزی صحیح و دقیق مطابق با نیازهای نسل جوان؛
- ۲ - استفاده از متخصصان تعلیم و تربیت، روان‌شناسان و مربیان دینی در برنامه‌ریزی؛
- ۴ - اهمیت نقش هدایتی و حفاظتی مسجد؛
- ۵ - تغییر نگرش نسبت به مسجد از محل عبادت برای قشر خاص به جایگاه اجتماعی برای همه؛

۶ - تبیین اهمیت نقش فرهنگی مسجد؛

۷ - تبیین اهمیت نقش تربیتی و اجتماعی مسجد؛

۸ - اهمیت نقش مسجد در احیای فرهنگ غنی اسلامی؛

۹ - برنامه‌ریزی جهت مستحکم کردن ارتباط تمام اقشار جامعه با مسجد؛

۱۰ - ترویج علم، اخلاق، بهداشت و غیره از طریق مساجد؛

- ۱۱ - رفتار خوش و نیکوی مدیریت مسجد؛
- ۱۲ - تأمین بهداشت روانی؛
- ۱۳ - فراهم آوردن زمینه بروز شکوفایی استعداد و خلاقیت در افراد؛
- ۱۴ - کاهش آسیب‌پذیری اجتماعی؛
- ۱۵ - توسعه مهارت‌های شناختی؛
- ۱۶ - احساس رضایت درونی و افزایش نشاط و شادکامی؛
- ۱۷ - زمینه‌سازی برای رشد همه‌جانبه فرد؛
- ۱۸ - تقویت ارتباط فرد با جهان هستی؛
- ۱۹ - تقویت خودشناسی به عنوان يك معرفت زیربنایی؛
- ۲۰ - تقویت رویکرد خدامحور در همه جنبه‌های زندگی؛
- ۲۱ - پذیرفتن استدلال و منطق جوانان؛
- ۲۲ - حضور افراد مهم و شایسته در مساجد؛
- ۲۳ - تقویت روحیه اجتماعی نماز جماعت ابتدا در مدارس؛
- ۲۴ - توجه به مکان و فضای مسجد و شکل ظاهری آن؛
- ۲۵ - استفاده از تکنولوژی نوین در مساجد؛
- ۲۶ - استفاده از وسایل سمعی و بصری نوین در موارد خاص؛
- ۲۷ - برگزاری اردوها و سفرهای کوتاه مدت دسته‌جمعی؛
- ۲۸ - در برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی وضعیت موجود الزامی است. نیست غیر از عشق خضر در بیابان وجود هر کجا گم‌گشته‌ای بینی به عشق ارشاد کن

